

# اسطوره زندگی زردشت

ژاله آموزگار احمد تفضلی

## فهرست مطالب

۷.....	پیشگفتار
۱۳.....	شخصیت تاریخی زردشت
۲۹.....	چکیده‌ای از زندگانی اساطیری زردشت
۴۷.....	معرفی منابع
	متن‌ها:
۵۵.....	بخش نخست: ۱- دینکرد هفتم
۱۰۷.....	۲- دینکرد پنجم
۱۱۳.....	۳- دینکرد نهم
۱۱۹.....	بخش دوم: گزیده‌های زادشپرم
۱۴۵.....	بخش سوم: روایات پهلوی
۱۵۱.....	بخش چهارم: وجرگرد دینی
۱۶۳.....	بخش پنجم: زراتشت‌نامه
۱۷۹.....	بخش ششم: ملل و نحل
۱۸۸.....	کتاب‌نامه
۱۹۱.....	فهرست

## پیشگفتار

زندگی راستین پیامبران را همیشه هاله‌ای از اسطوره فرا می‌گیرد، هر چند که در خلال اسطوره‌ها حقیقت‌های فراوانی نهفته‌اند. افسانه‌ها به تدریج برگرد زندگی‌نامه واقعی حلقه می‌زنند و کم‌کم زندگی اساطیری را می‌سازند. این شکل‌گیری ممکن است در همان دوران زندگی پیامبر یا در سال‌هایی نه چندان دور از زمان او یا در سده‌های بعدتر انجام گرفته باشد. زندگی‌نامه زردشت نیز چنین مراحل را گذرانده است.

گرچه در اوستای موجود جای‌جای اشاره‌های پراکنده‌ای به نام و خانواده و برخی حوادث زندگی زردشت می‌شود، ولی زندگی‌نامه او منظم و پیوسته عرضه نمی‌گردد. با این همه، شواهد موجود نشان می‌دهد که شرح زندگی زردشت در سه نَسک (= بخش) از ۲۱ نسک اوستا به نام‌های شپَند، چهرداد و وِشتاسبِ ساسْت آمده بوده است. اصل متن اوستایی و ترجمه پهلوی این بخش‌ها اکنون در دست نیست، اما خلاصه مطالب آنها در کتاب هشتم دینکرد

نقل شده است. خلاصهٔ شپند نسک که فصل چهاردهم این کتاب را تشکیل می‌دهد،<sup>۱</sup> دلالت بر این دارد که در این بخش ضمن شرح سرگذشت «دین»، زندگی‌نامهٔ زردشت نیز به تفصیل آمده بوده است. خلاصهٔ چهارماد نسک فصل سیزدهم از کتاب هشتم دینکرد را تشکیل می‌دهد<sup>۲</sup> و بخشی از آن دربارهٔ زردشت بوده است. خلاصهٔ وشتاسب سانش (به معنی تعلیم گشتاسب) فصل یازدهم را در بر می‌گیرد<sup>۳</sup> که دربارهٔ گشتاسب و گرویدن او به زردشت و حوادث پس از آن بوده است. شرحی که در متن‌های پهلوی موجود دربارهٔ زندگی اساطیری زردشت آمده، بر پایهٔ ترجمهٔ پهلوی این نسک‌هاست. از این رو، ما شالودهٔ کار را بر متن‌های پهلوی نهادیم و در ضمن، از منظومهٔ فارسی زراتشت‌نامه و روایات عربی که در این زمینه از اهمیتی برخوردارند، غافل نبوده‌ایم. در متن‌های پهلوی نیز هدف ما بخش‌هایی بوده که زندگی اساطیری زردشت را دربرداشته است. بنابراین، از مطالب مربوط به حوادث پیش و پس از او و همچنین از شرح آرا و عقاید وی در این متن‌ها چشم پوشیدیم.

متن‌های مورد استفادهٔ ما در این پژوهش، بخش گسترده‌ای از کتاب هفتم دینکرد، چند بندی از کتاب پنجم دینکرد، بخش کوتاهی از کتاب نهم دینکرد، فصل‌هایی از گزیده‌های زادسپرم و دو فصل از روایات پهلوی بوده است. افزون بر این، بخش‌هایی از وجرگرد دینی<sup>۴</sup> را نیز به فارسی برگردانیدیم. گرچه این اثر را که از زبان میدیوماه عموزادهٔ زردشت نقل شده است، متنی برساخته در سده‌های اخیر می‌دانند، ولی هدف ما از آوردن آن، ارزش نهادن به سنت‌های شفاهی زردشتیان است که در این کتاب آمده است. منظومهٔ فارسی زراتشت‌نامه را نیز خلاصه کردیم و به نثر فارسی در آوردیم و کوشیدیم که نکته‌های اصلی داستان در این چکیده آورده شود. ترجمهٔ بخشی از کتاب عربی ملل و نحل شهرستانی را

(۱) چاپ مدن (Madan)، ص ۶۹۰ به بعد.

(۲) مدن، ص ۶۸۸ به بعد.

(۳) مدن، ص ۶۸۷ به بعد.

(۴) دربارهٔ کتاب‌هایی که نامشان در این پیشگفتار می‌آید، نک به بخش معرفی منابع.

نیز که شرح جالب توجهی از اسطوره زندگی زردشت را در بردارد، بر این مجموعه افزودیم. در دیگر کتاب‌های فارسی زردشتی مانند صد در نثر و صد در بندهش<sup>۱</sup>، زراتشت‌نامه<sup>۲</sup> منثور و سروده‌های سرایندگان زردشتی و در آثار پیروان فرقه آذر کیوان مانند شارستان چهارچمن<sup>۳</sup> و دبستان المذاهب<sup>۴</sup> و مانند آن‌ها نیز روایاتی اساطیری از زندگی زردشت هست. ما از نقل این بخش‌ها نیز به این دلیل صرف نظر کردیم که در آثار متقدم فقط اشارات کوتاهی هست و در آثار متأخر که اصالت کمتری دارند مطلب جدیدی بر آنچه ما نقل کردیم، افزوده نمی‌شود.

متن‌های پهلویی که در این کتاب آورده‌ایم، به‌ویژه دینکرد، از متن‌های دشوار و پیچیده پهلوی هستند و غالباً متن ویراسته علمی از آن‌ها در دست نیست. از این رو، نخست لازم دیدیم به تصحیح انتقادی آن‌ها پردازیم، ولی از آنجا که بیشتر، خوانندگان غیرمتخصص مورد نظر ما بوده‌اند، از ذکر جزئیات و دقایق تصحیح خودداری کردیم.

بیشتر این متن‌ها پیش از این به زبان‌های اروپایی ترجمه شده‌اند و بعضی از آنها نیز به فارسی درآمده‌اند. به همه این ترجمه‌ها تا آنجا که توانسته‌ایم، رجوع کرده‌ایم. ترجمه ما از این متن‌ها در نکات بسیاری با ترجمه‌های پیشین تفاوت دارد. گاهگاهی به این تفاوت‌ها اشاره رفته است. خواننده متخصص خود از مقایسه برگردان ما با ترجمه‌های دیگر به اختلافات پی می‌برد.

---

(۱) این دو رساله که غالباً نامشان باهم می‌آید، هر کدام رساله مستقلی هستند در صد باب و دستورها و تشریفات و آیین‌های دینی، آداب تطهیر و داستان‌های دینی را در بردارند. مطالب صد در بندهش مفصل‌تر و جنبه اساطیری آن غنی‌تر است. نویسنده و تاریخ دقیق نگارش آنها معلوم نیست، ولی قطعاً پیش از سال ۹۰۰ هجری تألیف شده‌اند. دابار (Dhabhar) این دو رساله را در ۱۹۰۹ در بمبئی منتشر کرده است.

(۲) روایتی از زراتشت‌نامه منظوم است به نثر با ابیاتی که در بین آنها نقل شده است. وشت اطلاع از وجود نسخه‌ای از آن را در اکسفرده می‌دهد. نک به ژاله آموزگار، «ادبیات زردشتی به زبان فارسی»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سال ۱۷، شماره ۷۲، ۱۳۴۸، ص ۱۹۹.

(۳) تألیف فرزانه بهرام بن فرهاد اسفندیار پارسی، متوفی در ۱۰۳۴ ه. ق. نک به فتح‌الله مجتبیایی، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، زیر آذرکیوان، ص ۲۵۲.

(۴) احتمالاً تألیف میر ذوالفقار اردستانی متخلص به موبد که در قرن یازدهم ه. ق. می‌زیسته است. نک به مأخذ قبل.

در ترجمه متن‌ها به فارسی کوشیده‌ایم که ضمن وفاداری به متن، مطالب را به گونه‌ای نقل کنیم که برای خوانندگان علاقه‌مندی که با زبان‌های کهن ایران ناآشنایند، سنگین و دور از ذهن نباشد.

برای استفاده بیشتر پژوهندگانی که خواهان چکیده‌ای از مطالب مندرج در همه این متن‌ها هستند، بی‌آن‌که بخواهند با ریزه‌کاری‌های متن‌های پهلوی سروکار داشته باشند، مطالب آن‌ها را با یکدیگر تطبیق و تلفیق کردیم و از بازسازی آن‌ها بخشی جداگانه به زبانی ساده‌تر به نام «چکیده‌ای از زندگانی اساطیری زردشت» فراهم آوردیم.

دریغمان آمد که پیش از نقل اسطوره‌های زندگی زردشت، از شخصیت تاریخی، زمان واقعی، جایگاه زندگی او و بحث‌هایی که در این زمینه شده است سخنی به میان نیاوریم. برای فراهم آوردن مطالب این بخش، از گاهان اوستا که از زبان خود زردشت است و از تاریخ‌هایی که در کتاب‌های پهلوی و فارسی و یونانی و عربی آمده است و همچنین، از تازه‌ترین پژوهش‌های ایران‌شناسان در این باره یاری گرفته‌ایم و مجموعه‌ای فراهم آوردیم که هم شرح نظریه سنتی در مورد زمان زردشت و انتقاداتی را که بر آن شده است در بردارد و هم حاوی آخرین نظریه‌هایی است که زمان زردشت را به دورانی بس کهن‌تر از تاریخ پیشین می‌برند. درباره جایگاه و زیستگاه زردشت نیز نظریه‌های گوناگونی عرضه شده است که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره کرده‌ایم.

شادمانیم که با هم‌آهنگی و همکاری صمیمانه، بار دیگر این فرصت را یافتیم که گامی دیگر در راه معرفی فرهنگ پربار این سرزمین برداریم و با روایت اسطوره زندگانی زردشت و مطالبی که در حاشیه آن آورده‌ایم پاسخگوی جزئی از مجهولاتی باشیم که در این زمینه بر اندیشه پژوهندگان می‌گذرد.

این کتاب را اقبال لطف‌آمیز خوانندگان به چاپ سوم رساند. در فاصله دو

چاپ قبلی، این کتاب در کلاس‌ها تدریس شد و ما را بر آن داشت تا در مطالب آن تجدیدنظر کنیم. ترجمه‌ها را بار دیگر با اصل مقابله کردیم و لغزش‌ها را تا حد امکان از میان برداشتیم و در روانی ترجمه متن‌های کهن بیش از پیش کوشیدیم. اینک این چاپ با حروف چینی مجدد در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

# شخصیت تاریخی زردشت

برای پژوهش درباره شخصیت تاریخی زردشت باید به موضوع زمان و زیستگاه و حوادث زندگی او پرداخت. در این باره پژوهندگان فرهنگ ایران باستان همداستان نیستند. در زیر چکیده‌ای از نظرهای گوناگون را می‌آوریم.

### زمان زردشت

دورترین زمانی که برای زردشت قائل شده‌اند، سده هجدهم پیش از میلاد و نزدیکترین آن سده ششم پیش از میلاد است. برای تعیین این تاریخ دو روش عمده را به کار گرفته‌اند. در روش اول به ارقام و اعدادی استناد می‌کنند که درباره زندگی زردشت در کتاب‌های پهلوی و عربی یا در منابع یونانی آمده است. در روش دوم نتیجه‌گیری براساس معیارهای زبانی و قرائن تاریخی است.

### الف. نتیجه‌گیری بر اساس ارقام و اعداد

پیروان این روش بیشتر دانشمندانی هستند که تاریخی را که در کتاب‌های پهلوی و عربی آمده است صحیح و قابل اعتماد می‌دانند و محاسبات را بر آن اساس می‌نهند. این تاریخ‌گذاری، معروف به «تاریخ سنتی» است. گاهی نیز بر روایات یونانی یا بر روایت بیرونی تکیه می‌شود.

## ۱. تاریخ ستی

در کتاب بُنْدَهَشْتَن<sup>۱</sup> آمده است که: «چون هزاره سلطه بزغاله (جدی)<sup>۲</sup> فرا رسید، زردشت از سوی آفریدگار اورمزد به پیامبری آمد و گشتاسب پس از پذیرفتن دین ۹۰ سال فرمانروایی کرد. مجموع سال‌های فرمانروایی او ۱۲۰ سال بود. بهمن پسر اسفندیار ۱۱۲ سال، همای (چهرآزاد) دختر بهمن ۳۰ سال، دارا پسر همای (چهرآزاد) که همان بهمن است، ۱۲ سال و دارا پسر دارا ۱۴ سال.» با جمع بستن این ارقام عدد ۲۵۸ سال به دست می‌آید که زمان فاصل میان زردشت و کشته شدن دارا به دست اسکندر است. از سوی دیگر، بیرونی<sup>۳</sup> می‌نویسد که از ظهور زردشت تا زمان اسکندر ۲۵۸ سال فاصله بوده است. مسعودی نیز فاصله زمانی از زردشت تا اسکندر را ۲۵۸ سال ذکر می‌کند.<sup>۴</sup> اما از این روایات گوناگون دقیقاً معلوم نمی‌شود که منظور از «زمان زردشت» تاریخ زایش اوست یا تاریخ وحی به او در سی سالگی، یا تاریخی که در چهل سالگی دین خود را آشکارا بر مردمان ابلاغ کرد، یا زمانی که در چهل و دو سالگی گشتاسب دین او را پذیرفت. همچنین روشن نیست که منظور از «تا زمان اسکندر» چیست. آیا مقصود زمان فتح ایران به دست اسکندر است یا مرگ او، یا اصولاً مراد تاریخ اسکندر یا تاریخ سلوکی<sup>۵</sup> است. هنینگ<sup>۶</sup> بر آن است که «تا زمان اسکندر» به معنی سال مرگ داریوش سوم آخرین پادشاه هخامنشی است که در سال ۳۳۰ ق. م. اتفاق افتاد، اما در مورد مبدء تاریخ یقین ندارد. بنابراین، به نظر وی تاریخ تولد او یا سال ۶۱۸ یا ۶۲۸ یا ۶۳۰ پیش از میلاد بوده است و چون زردشت بنا به روایت‌های مذکور در کتاب‌های پهلوی ۷۷ سال عمر کرده است، سال وفات او را در ۵۴۱ یا

(۱) فصل ۳۶، بند ۸ به بعد.

(۲) دوازده هزار سال عمر جهان را به روایتی به ۱۲ دوره هزار ساله تقسیم کرده و هر هزاره را به نام یکی از بروج دوازده گانه نامیده‌اند.

(۳) آثار الباقیه، به کوشش زاخو، لایپزیک، ۱۹۲۳، ص ۱۴، س ۸.

(۴) مروج الذهب، به کوشش پلا (Pellat)، ج ۲، بیروت، ۱۹۶۶، ص ۴۱۵ بند ۱۴۳۴.

(۵) معادل ۳۱۱ ق. م. یعنی سالی که سلوکوس بابل را فتح کرده است.

(۶) هنینگ (Henning)، زردشت، سیاستمدار یا جادوگر، ترجمه کامران فانی، تهران، ۱۳۵۷، ص ۷۴.